

محمدرضا عارف رییس بنیاد امید ایرانیان همواره پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی که وی معتقد است در دوره انتخابات ریاست جمهوری دوباره احیا شده بود تاکید کرده است. وی در جلسه شایخ جوانان این بنیاد در پاسخ به این پرسش که چرا وی پیشنهاد ریاست دانشگاه تهران را نپذیرفت گفت که اصلاح‌طلبان پس از دو خرداد این بنیاد در واقع بافتند و از سرمایه اجتماعی غافل شدند و همین امر موجب ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی آنان شد و اکنون او از آن اتفاق عبرت گرفته است و به دنبال حفظ و ارتقای این سرمایه اجتماعی برای انتخابات سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است.

همزمان اصلاح‌طلبان به دنبال دوری از تشست و حرکتی یکپارچه برای دستیابی به کرسی‌های بهارستان هستند.به گونه‌ای که حجت‌الاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا قائم مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان باید فراتر از احزاب خود، به فکر ایجاد یک جبهه اصلاح‌طلب مرکب از احزاب مختلف باشند گفت که این جبهه به یک متولی نیاز دارد و باید هسته‌ای که فراتر از احزاب باشد و بتواند آنها را مدیریت کند و خطمشی اصلاحات را ایجاد کند، بوجود آید. در هسته این جبهه مسائل تئوریک اصلاح‌طلبان می‌تواند تعریف شود و معنای دقیق اصلاحات نیز مشخص شود.

از سویی عارف پا از این مرحله فراتر گذاشته است و اظهار کرده که به زودی سازوکار ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را بیان می‌کند. هر چند واکنش حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز نشانسه ای مبنی بر دور از ذهن بودن این ائتلاف را آتسکار کرد زیرا که ابراهیمی معتقد است که «ادلی وجود ندارد تا ائتلافی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انجام شود و محال است این دو جریان یکی شوند از این رو چنین چیزی قابل تصور نیست».

به هر حال اصلاح‌طلبان برای بازگشت به خانه ملت بر اجماع و احیای تشکیل جبهه واحد از یک سو و حفظ سرمایه اجتماعی از سویی دیگر تاکید دارند.دراین بین شاید تشکیل جبهه واحد اصلاحات کار سخت و پیچیده‌ای نباشد اما حفظ سرمایه اجتماعی مسلمانری پیچیده و دشوار خواهد بود.زیرا یکی از استراتژی‌های رقبای اصلاح‌طلبان ایجاد شکاف میان آنها و حامیانش است و زمانی که خود اصلاح‌طلبان نیز به حامیان خود بی‌توجه می‌شوند، زمینه برای بقدرت رسیدن رقبای اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ به دلیل وجود شکاف میان خود اصلاح‌طلبان از یک سو و شکاف میان اصلاحات و بدنه اجتماعی آن بود.

یکی از راههای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، معرفی مفاهیمی همچون «اصلاحات»، «مردم‌سالاری»، «توسعه سیاسی»، «جامعه‌مدنی»، «مشارکت سیاسی»، « آزادی بیان» و سایر اصلاحات این چنینی است.زیرا جامعه باید ابتدا آگاه شود که قرار است چه اهدافی و روایتی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به اصطلاحاتی در دانش سیاسی مغرب زمین وجود دارد و اختلاط این مفاهیم مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد. به طور مثال نظریه بسیج اجتماعی که اولین بار توسط کارل دوپج به کار گرفته شد عبارت بود از روندی که در آن تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی مجموعه عمده‌ای از انسانها به کناری گذاشته شود و هم‌زمان انسانها الگویی جدید رفتاری را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به دنبال گذار انسان از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن است. بنابراین توسعه سیاسی در این نظریه به معنای پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای زندگی مدرن (که منظور ارزش‌های غربی است) از سوی تعداد انبوهی از جامعه آزرده است.

در نظریه بسیج سیاسی سطح شهرنشینی، سطح سواد و نشر اطلاعات (که از شاخص‌های جوامع غربی است) به پیدایی دموکراسی می‌انجامد. بدین ترتیب که افزایش شهرنشینی موجب افزایش سوادآموزی و نشر اطلاعات می‌شود. این عوامل باعث افزایش سطح مشارکت سیاسی می‌شود و نظام سیاسی چاره‌ای جز حرکت به سوی دموکراسی را نمی‌یابد. لوسین پای یکی از جامعه‌شناسان غربی، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی تعریف می‌کند. از نظر وی توسعه سیاسی باید بر مبنای سیاست جوامع صنعتی غرب مورد توجه قرار داد. وی توسعه سیاسی را براساس تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک می‌داند.

آلموند و جیمز کلمن نیز توسعه سیاسی را فرایندی می‌دانند که به موجب آن نظام‌های سنتی غیرغربی ری‌زگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را که عبارتند از درجه بالای شهرنشینی گسترش سواد، درآمد سراسره بالا، تحرک میوسوط جغرافیایی و اجتماعی، میزان بالای کنسرت شدن اقتصاد، شبکه وسیع ارتباط جمعی و مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را بیابند.

از نظر علمای سیاست مهمترین شاخصه‌های توسعه‌یافتگی آنهایی که می‌خوانند اسلام در این مملکت حکومت کند باید به داد اسلام برسد.
یک دسته جوانان،مطلع نیستند از مسائل.
اجل متسنک (مذهبی‌های نادان) از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که دو طایفه هستند که کمر مرا می‌شکنند:یکی شان عالم متنهک (خواص بی تقوا) است، یکییشان جاهل متسنک است.
جاهل متفلسف
جای کمرب پیغمبر را می‌شکند.

مطلبی که نداند قانون اسلام چیست وپیش خود به اسم اسلام بروده خیال‌خودش خدمت می‌کند.
این از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که کمر مرا می‌شکنند.
(قسم ظهری الراجل‌ن،عالم، متنهک وجاهل متسنک)...

استحکم‌نهایی باید چه بکنند. این یک قدرت مرکزی می‌خواهد. یک قدرت اجرایی می‌خواهد که این اشخاص هر جا یک شلوغی کردند، اینها را بگیرند و محاکمه‌شان کنند. وجزایی اگر دارند به آنها بدهند.سرسر خود همین طوری یک دسته‌ای، هر کس در هر جا یک تفنگی داشته خود خودش گرفته و به اسم «کمیته» و به اسم «پاسدار» وبه اسم «بسیج»،هر جا هرچه دلتش می‌خواهد می‌کند.با هر که بد استت می‌ریزند منزلش بازرسی می‌کنند. با هر که یک غرضی دارند می‌ریزند منزل. خانه‌اش را غارت می‌کنند و این خطرپذیرگی است که برای اسلام در زمان ما پیش آمده وشاید خطرش بیشتر ازخطری باشد که اسلام از رژیم سابق داشت.تمام ضوابط را به هم ریخته‌اند.هر چه ضابطه اسلامی باشد عمل به آن نمی‌شود. به اسم اسلام،اسلام را دارند از بین می‌برند.شخصی نفوذ کرده اند در همه جا. به اسم اسلام،اسلام را می‌پوسانند.اسلام را می‌گویند.»(همان‌صص ۳۱۳،۳۱۴)

امام خمینی می‌داند این بیانات دردماندانه به نکات بسیار ظرفیت دیگری نیز اشاره دارند که باید درفرصتهای مناسب به همه آنها پرداخته شود.ایشان درادامه مقایسه جالبی دارند و می‌فرمایند اگر

احمد مازنی در جریان راهپیمایی اعتراضی به اصلاحات

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

شعاردهندگان در راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

راهبرد جریان اصلاح‌طلبی برای حضور موثر تر در صحنه سیاست چیست؟

بازسازی تئوریک اصلاحات؛نیاز امروز اصلاح‌طلبان

محمدرضا عارف رییس بنیاد امید ایرانیان همواره پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی که وی معتقد است در دوره انتخابات ریاست جمهوری دوباره احیا شده بود تاکید کرده است. وی در جلسه شایخ جوانان این بنیاد در پاسخ به این پرسش که چرا وی پیشنهاد ریاست دانشگاه تهران را نپذیرفت گفت که اصلاح‌طلبان پس از دو خرداد این بنیاد در واقع بافتند و از سرمایه اجتماعی غافل شدند و همین امر موجب ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی آنان شد و اکنون او از آن اتفاق عبرت گرفته است و به دنبال حفظ و ارتقای این سرمایه اجتماعی برای انتخابات سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است.

همزمان اصلاح‌طلبان به دنبال دوری از تشست و حرکتی یکپارچه برای دستیابی به کرسی‌های بهارستان هستند.به گونه‌ای که حجت‌الاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا قائم مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان باید فراتر از احزاب خود، به فکر ایجاد یک جبهه اصلاح‌طلب مرکب از احزاب مختلف باشند گفت که این جبهه به یک متولی نیاز دارد و باید هسته‌ای که فراتر از احزاب باشد و بتواند آنها را مدیریت کند و خطمشی اصلاحات را ایجاد کند، بوجود آید. در هسته این جبهه مسائل تئوریک اصلاح‌طلبان می‌تواند تعریف شود و معنای دقیق اصلاحات نیز مشخص شود.

از سویی عارف پا از این مرحله فراتر گذاشته است و اظهار کرده که به زودی سازوکار ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را بیان می‌کند. هر چند واکنش حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز نشانسه ای مبنی بر دور از ذهن بودن این ائتلاف را آتسکار کرد زیرا که ابراهیمی معتقد است که «ادلی وجود ندارد تا ائتلافی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انجام شود و محال است این دو جریان یکی شوند از این رو چنین چیزی قابل تصور نیست».

به هر حال اصلاح‌طلبان برای بازگشت به خانه ملت بر اجماع و احیای تشکیل جبهه واحد از یک سو و حفظ سرمایه اجتماعی از سویی دیگر تاکید دارند.دراین بین شاید تشکیل جبهه واحد اصلاحات کار سخت و پیچیده‌ای نباشد اما حفظ سرمایه اجتماعی مسلمانامری پیچیده و دشوار خواهد بود.زیرا یکی از استراتژی‌های رقبای اصلاح‌طلبان ایجاد شکاف میان آنها و حامیانش است و زمانی که خود اصلاح‌طلبان نیز به حامیان خود بی‌توجه می‌شوند، زمینه برای بقدرت رسیدن رقبای اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ به دلیل وجود شکاف میان خود اصلاح‌طلبان از یک سو و شکاف میان اصلاحات و بدنه اجتماعی آن بود.

یکی از راههای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، معرفی مفاهیمی همچون «اصلاحات»، «مردم‌سالاری»، «توسعه سیاسی»، «جامعه‌مدنی»، «مشارکت سیاسی»، « آزادی بیان» و سایر اصلاحات این چنینی است.زیرا جامعه باید ابتدا آگاه شود که قرار است چه اهدافی و روایتی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به اصطلاحاتی در دانش سیاسی مغرب زمین وجود دارد و اختلاط این مفاهیم مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد. به طور مثال نظریه بسیج اجتماعی که اولین بار توسط کارل دوپج به کار گرفته شد عبارت بود از روندی که در آن تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی مجموعه عمده‌ای از انسانها به کناری گذاشته شود و هم‌زمان انسانها الگویی جدید رفتاری را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به دنبال گذار انسان از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن است. بنابراین توسعه سیاسی در این نظریه به معنای پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای زندگی مدرن (که منظور ارزش‌های غربی است) از سوی تعداد انبوهی از جامعه آزرده است.

در نظریه بسیج سیاسی سطح شهرنشینی، سطح سواد و نشر اطلاعات (که از شاخص‌های جوامع غربی است) به پیدایی دموکراسی می‌انجامد. بدین ترتیب که افزایش شهرنشینی موجب افزایش سوادآموزی و نشر اطلاعات می‌شود. این عوامل باعث افزایش سطح مشارکت سیاسی می‌شود و نظام سیاسی چاره‌ای جز حرکت به سوی دموکراسی را نمی‌یابد. لوسین پای یکی از جامعه‌شناسان غربی، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی تعریف می‌کند. از نظر وی توسعه سیاسی باید بر مبنای سیاست جوامع صنعتی غرب مورد توجه قرار داد. وی توسعه سیاسی را براساس تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک می‌داند.

آلموند و جیمز کلمن نیز توسعه سیاسی را فرایندی می‌دانند که به موجب آن نظام‌های سنتی غیرغربی ری‌زگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را که عبارتند از درجه بالای شهرنشینی گسترش سواد، درآمد سراسره بالا، تحرک میوسوط جغرافیایی و اجتماعی، میزان بالای کنسرت شدن اقتصاد، شبکه وسیع ارتباط جمعی و مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را بیابند.

از نظر علمای سیاست مهمترین شاخصه‌های توسعه‌یافتگی آنهایی که می‌خوانند اسلام در این مملکت حکومت کند باید به داد اسلام برسد.
یک دسته جوانان،مطلع نیستند از مسائل.
اجل متسنک (مذهبی‌های نادان) از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که دو طایفه هستند که کمر مرا می‌شکنند:یکی شان عالم متنهک (خواص بی تقوا) است، یکییشان جاهل متسنک است.
جاهل متفلسف
جای کمرب پیغمبر را می‌شکند.

مطلبی که نداند قانون اسلام چیست وپیش خود به اسم اسلام بروده خیال‌خودش خدمت می‌کند.
این از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که کمر مرا می‌شکنند.
(قسم ظهری الراجل‌ن،عالم، متنهک وجاهل متسنک)...

استحکم‌نهایی باید چه بکنند. این یک قدرت مرکزی می‌خواهد. یک قدرت اجرایی می‌خواهد که این اشخاص هر جا یک شلوغی کردند، اینها را بگیرند و محاکمه‌شان کنند. وجزایی اگر دارند به آنها بدهند.سرسر خود همین طوری یک دسته‌ای، هر کس در هر جا یک تفنگی داشته خود خودش گرفته و به اسم «کمیته» و به اسم «پاسدار» وبه اسم «بسیج»،هر جا هرچه دلتش می‌خواهد می‌کند.با هر که بد استت می‌ریزند منزلش بازرسی می‌کنند. با هر که یک غرضی دارند می‌ریزند منزل. خانه‌اش را غارت می‌کنند و این خطرپذیرگی است که برای اسلام در زمان ما پیش آمده وشاید خطرش بیشتر ازخطری باشد که اسلام از رژیم سابق داشت.تمام ضوابط را به هم ریخته‌اند.هر چه ضابطه اسلامی باشد عمل به آن نمی‌شود. به اسم اسلام،اسلام را دارند از بین می‌برند.شخصی نفوذ کرده اند در همه جا. به اسم اسلام،اسلام را می‌گویند.»(همان‌صص ۳۱۳،۳۱۴)

امام خمینی می‌داند این بیانات دردماندانه به نکات بسیار ظرفیت دیگری نیز اشاره دارند که باید درفرصتهای مناسب به همه آنها پرداخته شود.ایشان درادامه مقایسه جالبی دارند و می‌فرمایند اگر

احمد مازنی در جریان راهپیمایی اعتراضی به اصلاحات

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

شعاردهندگان در راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

شعاردهندگان در راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

شعاردهندگان در راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

بازسازی تئوریک اصلاحات؛نیاز امروز اصلاح‌طلبان

محمدرضا عارف رییس بنیاد امید ایرانیان همواره پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی که وی معتقد است در دوره انتخابات ریاست جمهوری دوباره احیا شده بود تاکید کرده است. وی در جلسه شایخ جوانان این بنیاد در پاسخ به این پرسش که چرا وی پیشنهاد ریاست دانشگاه تهران را نپذیرفت گفت که اصلاح‌طلبان پس از دو خرداد این بنیاد در واقع بافتند و از سرمایه اجتماعی غافل شدند و همین امر موجب ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی آنان شد و اکنون او از آن اتفاق عبرت گرفته است و به دنبال حفظ و ارتقای این سرمایه اجتماعی برای انتخابات سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است.

همزمان اصلاح‌طلبان به دنبال دوری از تشست و حرکتی یکپارچه برای دستیابی به کرسی‌های بهارستان هستند.به گونه‌ای که حجت‌الاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا قائم مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان باید فراتر از احزاب خود، به فکر ایجاد یک جبهه اصلاح‌طلب مرکب از احزاب مختلف باشند گفت که این جبهه به یک متولی نیاز دارد و باید هسته‌ای که فراتر از احزاب باشد و بتواند آنها را مدیریت کند و خطمشی اصلاحات را ایجاد کند، بوجود آید. در هسته این جبهه مسائل تئوریک اصلاح‌طلبان می‌تواند تعریف شود و معنای دقیق اصلاحات نیز مشخص شود.

از سویی عارف پا از این مرحله فراتر گذاشته است و اظهار کرده که به زودی سازوکار ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را بیان می‌کند. هر چند واکنش حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز نشانسه ای مبنی بر دور از ذهن بودن این ائتلاف را آتسکار کرد زیرا که ابراهیمی معتقد است که «ادلی وجود ندارد تا ائتلافی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انجام شود و محال است این دو جریان یکی شوند از این رو چنین چیزی قابل تصور نیست».

به هر حال اصلاح‌طلبان برای بازگشت به خانه ملت بر اجماع و احیای تشکیل جبهه واحد از یک سو و حفظ سرمایه اجتماعی از سویی دیگر تاکید دارند.دراین بین شاید تشکیل جبهه واحد اصلاحات کار سخت و پیچیده‌ای نباشد اما حفظ سرمایه اجتماعی مسلمانامری پیچیده و دشوار خواهد بود.زیرا یکی از استراتژی‌های رقبای اصلاح‌طلبان ایجاد شکاف میان آنها و حامیانش است و زمانی که خود اصلاح‌طلبان نیز به حامیان خود بی‌توجه می‌شوند، زمینه برای بقدرت رسیدن رقبای اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ به دلیل وجود شکاف میان خود اصلاح‌طلبان از یک سو و شکاف میان اصلاحات و بدنه اجتماعی آن بود.

یکی از راههای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، معرفی مفاهیمی همچون «اصلاحات»، «مردم‌سالاری»، «توسعه سیاسی»، «جامعه‌مدنی»، «مشارکت سیاسی»، « آزادی بیان» و سایر اصلاحات این چنینی است.زیرا جامعه باید ابتدا آگاه شود که قرار است چه اهدافی و روایتی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به اصطلاحاتی در دانش سیاسی مغرب زمین وجود دارد و اختلاط این مفاهیم مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد. به طور مثال نظریه بسیج اجتماعی که اولین بار توسط کارل دوپج به کار گرفته شد عبارت بود از روندی که در آن تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی مجموعه عمده‌ای از انسانها به کناری گذاشته شود و هم‌زمان انسانها الگویی جدید رفتاری را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به دنبال گذار انسان از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن است. بنابراین توسعه سیاسی در این نظریه به معنای پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای زندگی مدرن (که منظور ارزش‌های غربی است) از سوی تعداد انبوهی از جامعه آزرده است.

در نظریه بسیج سیاسی سطح شهرنشینی، سطح سواد و نشر اطلاعات (که از شاخص‌های جوامع غربی است) به پیدایی دموکراسی می‌انجامد. بدین ترتیب که افزایش شهرنشینی موجب افزایش سوادآموزی و نشر اطلاعات می‌شود. این عوامل باعث افزایش سطح مشارکت سیاسی می‌شود و نظام سیاسی چاره‌ای جز حرکت به سوی دموکراسی را نمی‌یابد. لوسین پای یکی از جامعه‌شناسان غربی، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی تعریف می‌کند. از نظر وی توسعه سیاسی باید بر مبنای سیاست جوامع صنعتی غرب مورد توجه قرار داد. وی توسعه سیاسی را براساس تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک می‌داند.

آلموند و جیمز کلمن نیز توسعه سیاسی را فرایندی می‌دانند که به موجب آن نظام‌های سنتی غیرغربی ری‌زگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را که عبارتند از درجه بالای شهرنشینی گسترش سواد، درآمد سراسره بالا، تحرک میوسوط جغرافیایی و اجتماعی، میزان بالای کنسرت شدن اقتصاد، شبکه وسیع ارتباط جمعی و مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را بیابند.

از نظر علمای سیاست مهمترین شاخصه‌های توسعه‌یافتگی آنهایی که می‌خوانند اسلام در این مملکت حکومت کند باید به داد اسلام برسد.
یک دسته جوانان،مطلع نیستند از مسائل.
اجل متسنک (مذهبی‌های نادان) از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که دو طایفه هستند که کمر مرا می‌شکنند:یکی شان عالم متنهک (خواص بی تقوا) است، یکییشان جاهل متسنک است.
جاهل متفلسف
جای کمرب پیغمبر را می‌شکند.

مطلبی که نداند قانون اسلام چیست وپیش خود به اسم اسلام بروده خیال‌خودش خدمت می‌کند.
این از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که کمر مرا می‌شکنند.
(قسم ظهری الراجل‌ن،عالم، متنهک وجاهل متسنک)...

استحکم‌نهایی باید چه بکنند. این یک قدرت مرکزی می‌خواهد. یک قدرت اجرایی می‌خواهد که این اشخاص هر جا یک شلوغی کردند، اینها را بگیرند و محاکمه‌شان کنند. وجزایی اگر دارند به آنها بدهند.سرسر خود همین طوری یک دسته‌ای، هر کس در هر جا یک تفنگی داشته خود خودش گرفته و به اسم «کمیته» و به اسم «پاسدار» وبه اسم «بسیج»،هر جا هرچه دلتش می‌خواهد می‌کند.با هر که بد استت می‌ریزند منزلش بازرسی می‌کنند. با هر که یک غرضی دارند می‌ریزند منزل. خانه‌اش را غارت می‌کنند و این خطرپذیرگی است که برای اسلام در زمان ما پیش آمده وشاید خطرش بیشتر ازخطری باشد که اسلام از رژیم سابق داشت.تمام ضوابط را به هم ریخته‌اند.هر چه ضابطه اسلامی باشد عمل به آن نمی‌شود. به اسم اسلام،اسلام را دارند از بین می‌برند.شخصی نفوذ کرده اند در همه جا. به اسم اسلام،اسلام را می‌گویند.»(همان‌صص ۳۱۳،۳۱۴)

امام خمینی می‌داند این بیانات دردماندانه به نکات بسیار ظرفیت دیگری نیز اشاره دارند که باید درفرصتهای مناسب به همه آنها پرداخته شود.ایشان درادامه مقایسه جالبی دارند و می‌فرمایند اگر

احمد مازنی در جریان راهپیمایی اعتراضی به اصلاحات

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

شعاردهندگان در راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

بازسازی تئوریک اصلاحات؛نیاز امروز اصلاح‌طلبان

محمدرضا عارف رییس بنیاد امید ایرانیان همواره پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی که وی معتقد است در دوره انتخابات ریاست جمهوری دوباره احیا شده بود تاکید کرده است. وی در جلسه شایخ جوانان این بنیاد در پاسخ به این پرسش که چرا وی پیشنهاد ریاست دانشگاه تهران را نپذیرفت گفت که اصلاح‌طلبان پس از دو خرداد این بنیاد در واقع بافتند و از سرمایه اجتماعی غافل شدند و همین امر موجب ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی آنان شد و اکنون او از آن اتفاق عبرت گرفته است و به دنبال حفظ و ارتقای این سرمایه اجتماعی برای انتخابات سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است.

همزمان اصلاح‌طلبان به دنبال دوری از تشست و حرکتی یکپارچه برای دستیابی به کرسی‌های بهارستان هستند.به گونه‌ای که حجت‌الاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا قائم مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان باید فراتر از احزاب خود، به فکر ایجاد یک جبهه اصلاح‌طلب مرکب از احزاب مختلف باشند گفت که این جبهه به یک متولی نیاز دارد و باید هسته‌ای که فراتر از احزاب باشد و بتواند آنها را مدیریت کند و خطمشی اصلاحات را ایجاد کند، بوجود آید. در هسته این جبهه مسائل تئوریک اصلاح‌طلبان می‌تواند تعریف شود و معنای دقیق اصلاحات نیز مشخص شود.

از سویی عارف پا از این مرحله فراتر گذاشته است و اظهار کرده که به زودی سازوکار ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را بیان می‌کند. هر چند واکنش حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز نشانسه ای مبنی بر دور از ذهن بودن این ائتلاف را آتسکار کرد زیرا که ابراهیمی معتقد است که «ادلی وجود ندارد تا ائتلافی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انجام شود و محال است این دو جریان یکی شوند از این رو چنین چیزی قابل تصور نیست».

به هر حال اصلاح‌طلبان برای بازگشت به خانه ملت بر اجماع و احیای تشکیل جبهه واحد از یک سو و حفظ سرمایه اجتماعی از سویی دیگر تاکید دارند.دراین بین شاید تشکیل جبهه واحد اصلاحات کار سخت و پیچیده‌ای نباشد اما حفظ سرمایه اجتماعی مسلمانامری پیچیده و دشوار خواهد بود.زیرا یکی از استراتژی‌های رقبای اصلاح‌طلبان ایجاد شکاف میان آنها و حامیانش است و زمانی که خود اصلاح‌طلبان نیز به حامیان خود بی‌توجه می‌شوند، زمینه برای بقدرت رسیدن رقبای اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ به دلیل وجود شکاف میان خود اصلاح‌طلبان از یک سو و شکاف میان اصلاحات و بدنه اجتماعی آن بود.

یکی از راههای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، معرفی مفاهیمی همچون «اصلاحات»، «مردم‌سالاری»، «توسعه سیاسی»، «جامعه‌مدنی»، «مشارکت سیاسی»، « آزادی بیان» و سایر اصلاحات این چنینی است.زیرا جامعه باید ابتدا آگاه شود که قرار است چه اهدافی و روایتی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به اصطلاحاتی در دانش سیاسی مغرب زمین وجود دارد و اختلاط این مفاهیم مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد. به طور مثال نظریه بسیج اجتماعی که اولین بار توسط کارل دوپج به کار گرفته شد عبارت بود از روندی که در آن تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی مجموعه عمده‌ای از انسانها به کناری گذاشته شود و هم‌زمان انسانها الگویی جدید رفتاری را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی پذیرا باشند. در واقع این نظریه به دنبال گذار انسان از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن است. بنابراین توسعه سیاسی در این نظریه به معنای پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای زندگی مدرن (که منظور ارزش‌های غربی است) از سوی تعداد انبوهی از جامعه آزرده است.

در نظریه بسیج سیاسی سطح شهرنشینی، سطح سواد و نشر اطلاعات (که از شاخص‌های جوامع غربی است) به پیدایی دموکراسی می‌انجامد. بدین ترتیب که افزایش شهرنشینی موجب افزایش سوادآموزی و نشر اطلاعات می‌شود. این عوامل باعث افزایش سطح مشارکت سیاسی می‌شود و نظام سیاسی چاره‌ای جز حرکت به سوی دموکراسی را نمی‌یابد. لوسین پای یکی از جامعه‌شناسان غربی، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی تعریف می‌کند. از نظر وی توسعه سیاسی باید بر مبنای سیاست جوامع صنعتی غرب مورد توجه قرار داد. وی توسعه سیاسی را براساس تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک می‌داند.

آلموند و جیمز کلمن نیز توسعه سیاسی را فرایندی می‌دانند که به موجب آن نظام‌های سنتی غیرغربی ری‌زگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را که عبارتند از درجه بالای شهرنشینی گسترش سواد، درآمد سراسره بالا، تحرک میوسوط جغرافیایی و اجتماعی، میزان بالای کنسرت شدن اقتصاد، شبکه وسیع ارتباط جمعی و مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را بیابند.

از نظر علمای سیاست مهمترین شاخصه‌های توسعه‌یافتگی آنهایی که می‌خوانند اسلام در این مملکت حکومت کند باید به داد اسلام برسد.
یک دسته جوانان،مطلع نیستند از مسائل.
اجل متسنک (مذهبی‌های نادان) از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که دو طایفه هستند که کمر مرا می‌شکنند:یکی شان عالم متنهک (خواص بی تقوا) است، یکییشان جاهل متسنک است.
جاهل متفلسف
جای کمرب پیغمبر را می‌شکند.

مطلبی که نداند قانون اسلام چیست وپیش خود به اسم اسلام بروده خیال‌خودش خدمت می‌کند.
این از آنهایی است که پیغمبر فرموده است که کمر مرا می‌شکنند.
(قسم ظهری الراجل‌ن،عالم، متنهک وجاهل متسنک)...

استحکم‌نهایی باید چه بکنند. این یک قدرت مرکزی می‌خواهد. یک قدرت اجرایی می‌خواهد که این اشخاص هر جا یک شلوغی کردند، اینها را بگیرند و محاکمه‌شان کنند. وجزایی اگر دارند به آنها بدهند.سرسر خود همین طوری یک دسته‌ای، هر کس در هر جا یک تفنگی داشته خود خودش گرفته و به اسم «کمیته» و به اسم «پاسدار» وبه اسم «بسیج»،هر جا هرچه دلتش می‌خواهد می‌کند.با هر که بد استت می‌ریزند منزلش بازرسی می‌کنند. با هر که یک غرضی دارند می‌ریزند منزل. خانه‌اش را غارت می‌کنند و این خطرپذیرگی است که برای اسلام در زمان ما پیش آمده وشاید خطرش بیشتر ازخطری باشد که اسلام از رژیم سابق داشت.تمام ضوابط را به هم ریخته‌اند.هر چه ضابطه اسلامی باشد عمل به آن نمی‌شود. به اسم اسلام،اسلام را دارند از بین می‌برند.شخصی نفوذ کرده اند در همه جا. به اسم اسلام،اسلام را می‌گویند.»(همان‌صص ۳۱۳،۳۱۴)

امام خمینی می‌داند این بیانات دردماندانه به نکات بسیار ظرفیت دیگری نیز اشاره دارند که باید درفرصتهای مناسب به همه آنها پرداخته شود.ایشان درادامه مقایسه جالبی دارند و می‌فرمایند اگر

مردم‌سالاری

احمد مازنی در جریان راهپیمایی اعتراضی به اصلاحات

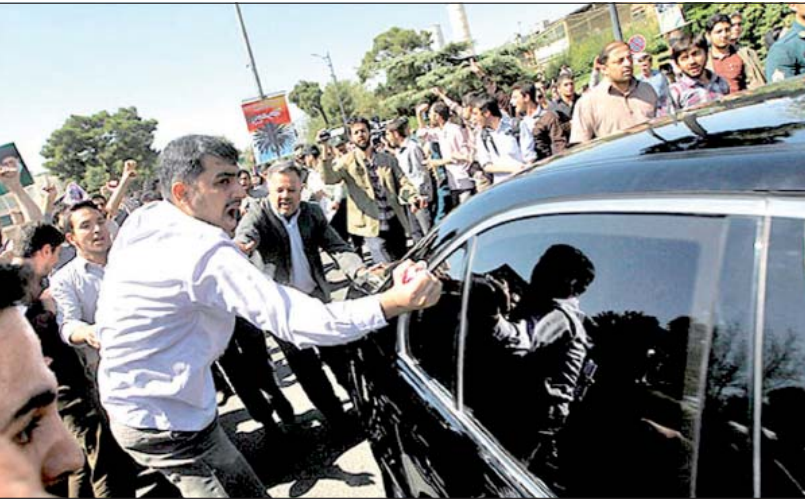
اعتراضی‌ها در جریان راهپیمایی ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

بازسازی تئوریک اصلاحات؛نیاز امروز اصلاح‌طلبان

می‌کردند و به دلیل تعیین نشدن مرزهای اصلاحات یا به گفته تاجیک وجود خوانش‌های مختلف و گاه متضاد از اصلاحات، مواضع ضددینی این رسانه‌ها به پای اصلاحات نوشته شد و هججه‌های فراوانی به آنها وارد شد.در همین راستا عماد افروغ درباره نحوه شکل‌گیری مفهوم اصلاحات و انتخاب اصطلاح اصلاح‌طلبی از سوی نیروهای دوم خردادی معتقد است که«طرح شعار اصلاحات از سوی لیبرال‌های انقلاب دوم خرداد صورت گرفت. این جناح با استفاده از دسته‌بندی نوین که ظاهراً در ابتدا از سوی رسانه‌های بیگانه به کار رفته است، تلاش نمود تا ضمن ارائه‌کنندگان جدید «اصلاحات» مبتنی بر اصول لیبرالیسم از جمله سکولاریزم، با استفاده از مفهوم اصلاحات تداعی بخش جریان اول روشنفکری در تاریخ ایران یعنی روشنفکران لیبرال باشد. حتی بخش عمده‌ای از روشنفکران دینی با عنوانی از قبیل نواندیش، باناندیش، روشنفکران تجدیدب کننده سنت روشنفکران عرف‌گرا و روشنفکران گرینش‌گر، وظیفه اصلی خود را نقد جریان دوم روشنفکری در ایران یعنی روشنفکران دین‌گرا قرار دادند. این دسته‌بندی در نهایت، غلبه یافته و سیطره می‌یابد و تقریباً تمام طیف‌های مختلف جناح دوم خرداد را در برمی‌گیرد به گونه‌ای که تمام گروه‌ها و جناح‌های وابسته به دوم خرداد، این تقسیم‌بندی را پذیرفته و در نهایت، عنوان اصلاح‌طلبان را بر خود برمی‌گزینند. پرواضح است که به دلیل مبانی فلسفی و انسان‌شناسی و درک‌های مخالف از اصلاحات تنها وجه مشترک طیف‌های گسترده دوم خرداد استفاده از لفظ اصلاحات بوده است. و همواره یکی از سوال‌های جناح رقیب، درخواست ارائه تعریفی شفاف و واضح از این مفهوم، روشن کردن فلسفه و تئوری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اصلاح‌طلبان بوده است.»

در واقع یکی از مشکلات اصلاحات، ابهام در تعریف انواع مصادیق فرایند و اهداف اصلاحات بود. از یک سو عده ای آن را در مقابل افساد و به معنای سامان بخشی و وضع موجود برای تبدیل آن به نظم مطلوب دانسته‌اند و از سوی دیگر برخی آن را در مقابل انقلاب و به معنای فرقم، تغییرات رویبایی، محدود و سطحی یا اصلاح در دو بناها تلقی نموده‌اند. ابهام مزبور در تعریف اصلاحات، ناشخص شدن قواعد بازی‌ها و رقابت‌های سیاسی، حیطه وظایف و اختیارات نهادهای ناظر و مقصد غایی آن ابهام می‌گردد.عده ارائه تصویری روشن از اصلاحات می‌تواند حتی به تجدیدنظر طلبی در اصول انقلاب به نام اصلاحات منجر شود. این ابهام مفهومی نه تنها در افکار عمومی بلکه در آذهنان نخبگان سیاسی نیز وجود دارد. اکبر اعلمی در همین خصوص می‌گوید:«ارائه داندن تعریف مشخصی از اصلاحات و تأویل و تفسیر سلبه‌های آن و حرکت‌های اصلاح‌طلبانه مطابق با مصالح حزبی و منمیات فردی و گروهی و پیوند زدن آن با منافع و مصالح جامعه و جناحی و در نتیجه اتخاذامدی دولت در تأمین خواسته‌های اصلاحات، به دلیل ترکیب دولت، بی‌کفایتی برخی وزیران و مدیران او، اداره ضعیف مجلس و ضعف عملکرد و ناتوانی این‌ها در بعد نظارت، میل به رانت جویی آن دسته از کسانی که فرصت طلبانه به صفوف اصلاحات پیوسته‌اند و در مواردی پیروی از سیاست‌های تمامیت‌خواهانه، قیم مایانه و شکست خورد گذشته از سوی برخی مدیران اصلاحات از جمله عوامل است که اسباب سرخوردگی و نالامبیدی مردم را به طیف اصلاح‌طلبان و به تبع آن به عدم مشارکت در انتخابات شوراها، پیدا کرد.»

به هرحال اصلاحات، در دوره هشت سده سلطه‌حاکمیت خود تجارب گرانبهایی را بدست آورد. اکنون که اصلاح‌طلبان عزمی جدی برای بازگشت به نهادهای قدرت را دارند، باید از تجارب آن دوران بهره ببرد.عارف بر لزوم حفظ سرمایه اجتماعی تاکید می‌کند و ابهامات اصلاحات پیش از آنکه به دنبال ایجاد جبهه واحد یابد، بایدبه دنبال تعریف واحدی از مفهوم «اصلاحات»، ارائه راهکارها و اهداف خود باشد و محدوده فعالیت‌های خود را مشخص کند تا پوششی برای فعالیت‌های سایر جریان‌ها نباشد. اکنون اصلاح‌طلبان باید اتاق‌های فکر خود را راه اندازی کنند و در مدت حدود دوسالی که تا برگزاری انتخابات مجلس باقی مانده است یکبار برای همیشه «اصلاحات» را تعریف کنند. تحقق اهداف اصلاحات نیازمند ساز و کارها و برنامه‌ریزی‌های خاص و دقیقی از جمله داشتن تئوری، منشور و برنامه مشخص، منسجم و کارآمد، اجماع و وفاق درباره تئوری و منشور مشترک، حفظ انسجام و وحدت درونی در جناح و حفظ پیوند منظم و مستمر با جامعه و دانستن استراتژی و تاکتیک‌های شفاف و کارآمد در مقاطع مختلف است. در این راستا توسعه سیاسی را می‌توان به معنای افزایش ظرفیت و امکان پاسخگویی کارآمد نظام‌هایی نسبت به فشارهای محیطی از طریق افزایش ظرفیت نظام سیاسی است که این خود از طریق تخصصی و مستقل شدن نقش‌ها و ساختارها به دست می‌آید، تعریف کرد. زیرا چنین تعریفی از توسعه سیاسی مانع از آن می‌شود که به توسعه سیاسی نگاهی تک‌خطی داشته باشیم. بنابراین هنگامی که توسعه سیاسی فرایند موفقیت‌آمیز تبدیل داده به نهاده و پاسخگویی مناسب به فشارهای محیطی باشند، در آن صورت هر نظامی می‌تواند توسعه سیاسی یابد و لازم نیست که توسعه‌هایی به معنای پذیرش نظریه‌های غربی توسعه‌یافتگی باشد.



بزرگوار مطهری درباره آنان فرمود: از روی جهل به افراط روی آوردند واسلام را همچون پوستین وارونه بر تن کردند؟

در تاریخ انقلاب ثبت است که حضرت امام خمینی(ره) به خاطر شدت ناراحتی وحسنتی، بعضی از اینها را «هیج و پوچ» وبعضی دیگر را «بی‌هزنان دیروز ومدعیان امروز» نامیدند و در اینجا نیزبه این معنای «کرم فسادانگیز» از آنان توصیف کردند.

آیا این افراد در شرایط حساس کنونی، می‌توانند، تغییر ماهیت داده و گذشته‌ها را جبران کنند؟

آیا هنر این را دارند به جای حاشیه‌سازی، اشکال‌تراشی واذیت وآزارمردم و بزرگان، با «باهنران» همراهی کنند تا بخشی از مشکلات کشور،مردم وجوانان بر طرف شود؟